



رازی و خوانندگان

مقدمه :

بالا رفتن قیمت‌های دارو که برخی از آنها از بیست سال پیش تا کنون ثابت مانده است، نیست؟ آیا اعتقاد ندارید که با بالا بردن قیمت دارو در ایران، که به‌طور قطع و یقین پایین‌ترین بها را بین تمامی کشورهای جهان داراست، هم به اقتصاد داروخانه کمک کرده و عده‌ای از همکاران زحمتکش و صدیق را به کارشان دلگرم نموده‌ایم و هم تا حدودی از مصرف بی‌رویه آن جلوگیری کرده‌ایم؟ می‌دانم که امروز هیچکس منکر واقعیت قیمت پائین دارو در ایران نیست ولی نمی‌دانم که چرا هنوز که هنوز است همه دست روی دست گذاشته و این معضل را حل نمی‌کنند. بهر حال امیدوارم که دست‌اندرکاران امور داروی مملکت تلاش خویش را بیش از پیش ادامه دهند تا این مشکل را به‌نحو شایسته‌ای حل نمایند. اینک با هم‌نامه

چندی پیش برادرمان دکتر رهبر مژده‌ای آذر نامه‌ای در اعتراض به افزایش قیمت دارو برای نشریه نوشته بودند که نامه‌شان را همراه با پاسخ در شماره مردادماه سال ۷۰ چاپ کردیم. اینک نامه‌ای از ایشان داریم در گلابه از اقتصاد خراب داروخانه و لزوم رسیدگی به آن! برادر عزیز. ما نیز با شما هم عقیده‌ایم که اقتصاد داروخانه نه تنها خراب که ورشکسته است و اگر می‌بینیم که با این وضع، باز هم عده‌ای از همکاران عزیز و شریف به این حرفه ادامه می‌دهند به دلیل این است که حرفه خود را دوست دارند و به این خاطر، عشق و علاقه خویش را فدای اقتصاد داروخانه می‌کنند. ولی برادر گرامی آیا یکی از راهها و بلکه اصلی‌ترین راه بهبود اقتصاد داروخانه، افزایش سود و در نتیجه

آقای دکتر رهبر مذهبی آذر را مرور می‌کنیم.
«سردبیر»

سردبیر محترم مجله رازی:

با عرض سلام و تشکر از زحمات آن همکار عزیز و دیگر همکارانی که در جهت تهیه مجله رازی متحمل می‌گردید مقاله‌ای را جهت درج در مجله رازی ارسال می‌داریم تا چنانچه امکان داشته باشد به عنوان درددل یکی از همکاران داروساز در مجله رازی چاپ بفرمایید.

هنگامی که بازرسین محترم وزارت بهداشت - درمان و آموزش پزشکی وارد داروخانه شدند مشغول سرو کله زدن با بیماری بودم که با اینکه مکرراً دستورات دارویی را برایش توضیح داده و روی برچسب داروها هم بطور وضوح دستور نوشته بودم ولی بیمار تقاضا می‌کرد که مجدداً چگونگی مصرف داروها را تکرار نمایم. حالت درماندگی بیمار و خستگی هشت ساعت کار روزانه بکلی مرا درمانده کرده بود. هر دو از جهتی بهم شبیه بودیم، با تفاوت اینکه من احساس مسئولیت سنگین شغلی را هم به دوش می‌کشیدم. آقای بازرس یا بر اثر احترامی که به من گذاشتند و یا بر اثر سوابق شغلی اینجانب و شاید هم به دلیل احساس و درک مشکلات من بخصوص در آن ساعت از بارزسی دقیق داروخانه خودداری نموده و فقط مقابل مطالبی که در ورقه چاپی در دستش بود علامت‌هایی گذاشت: نسخه‌ها را آقای دکتر کنترل می‌کند بله، مهر می‌زند بله، بطور مرتب در داروخانه حضور فعال دارد بله، قیمت گذاری

نسخ مطابق قانون انجام می‌گیرد بله، آیا اجناس متفرقه هم می‌فروشد خیر، نظافت داروخانه خوبست بله، پرسنل و خود دکتر روپوش دارند بله، تابلو پروانه در معرض دید عموم است. موقعی که تابلو را به این همکار عزیز نشان می‌دادم نمی‌دانم چرا تا خود آگاه مدتی به پروانه خیره شدم. در پروانه تأکید کرده است



که داروخانه باید ۹ ساعت باز باشد و دکتر داروساز در تمام ساعات باید در داروخانه حضور فعال داشته باشد. در همین حال صدای آقای بازرس که از من خداحافظی می‌کردند مرا بخود آورد در حالی که جهت کنترل نسخه دیگری خود کارم را به دست می‌گرفتم متوجه شدم که در گوشه دیگر داروخانه بازرسین محترم سازمان تأمین اجتماعی در حالی که لبخندی بر چهره دارند وارد پشت پیشخوان

داروخانه می‌شوند. خوب بازرسی هستند و نماینده قانون و قدمشان روی چشم. آنرا که حساب پاک است از محاسبه چه باکست. خوشختانه این دوستان عزیز هم طبق روال همیشگی با تشکر از اینکه نسخه داده شده را صحیح عمل کرده‌ایم و دادن تذکراتی در مورد چندریال اشتباه محاسبه (۳/۵ ریال) خداحافظی نموده و مرا به خود گذاشتند. هنوز چند نسخه دیگر را کنترل نکرده بودم که دیدم بازرسی محترم سازمان رسیدگی به اسناد پزشکی در داروخانه حضور دارند و نسخه آزمایشی را که به‌طور ناشناس جهت کنترل عملکرد داروخانه پیچیده شده بود طلب می‌کردند. که این دوستان هم بعد از دریافت نسخه و کنترل آن با تشکر و قدردانی داروخانه را ترک نمودند. در اینجا البته اعتراضی به نحوه این بازرسیها نیست و چه خوبست که همیشه ادامه داشته باشد تا سیه روی شود هر که در اوغش باشد. مسئله اینجاست که مسئولین محترم باید توجه داشته باشند در قبال اینهمه توقعات از یک مدیر مسئول داروخانه که صادقانه دارد خدمت می‌کند چه کمکی را باو جهت ادامه این کار صادقانه می‌نمایند؟ آیا توجه هست که داروخانه که یک مؤسسه علمی و اقتصادی است کالای خود را و خدمات خود را در حقیقت به قیمت پانزده سال پیش عرضه می‌دارد ولی وسایل و امکانات لازمه جهت این خدمات را به قیمت صدبرابر تهیه می‌نماید. توجه بفرماید کالا به قیمت تثبیت شده دولتی و با فاکتور و مهر و امضاء در اختیار مصرف کننده قرار می‌گیرد

ولی خود کار، جوهر، مهتابی، کاربن، کاغذ، کرایه مغازه، آب، برق، تلفن، مزد کارگر، مالیات، عوارض شهرداری و... را به قیمت روز و بازار آزاد به قولی تهیه و یا می‌پردازد در عین حال هم توقع است که تمام مقررات ممکتی را موبموا اجرا نموده و دست از پا خطا ننماید. آنچه که گاهی فراموش مسئولین محترم امر می‌شود شرایط و چگونگی گذران مدیریت مؤسسه‌ای است که مورد بازرسی قرار می‌گیرد، حتی همکار محترم و عزیزمان در مجله رازی مورخه آبان ۶۹ شماره ۱۰ در مورد اهداف انجمن داروسازان اسلامی هیچگونه اشاره‌ای به تأمین شرعی و آبرومندانه مدیریت داروخانه و یا سایر همکاران مسئول مشاغل دیگر داروسازی نکرده بودند چگونه ممکن است در شرایط فعلی و مشکلات ناشی از افزایش جمعیت و جنگ تحمیلی و گرانی و تورم یک دکتر داروساز با ۳۰ تا ۴۰ ریال سود متوسط هر نسخه بتواند ۹ ساعت یک داروخانه را سرپا نگهدارد و خود او هم سرپا باشد. دوستان و همکاران مسئول و دست‌اندر کار بدانید که اگر به این امر یعنی اقتصاد داروخانه توجه نشود تمام تلاش‌های صادقانه شما بی‌نتیجه خواهد بود. چه بیم آن می‌رود بتدریج دوستان و همکاران صدیق داروخانه‌دار بسرعت فرسوده شده و یا دست از این کار بشویند و سودجویان حرفه‌ای که خم و چم کار را می‌دانند جایگزین شوند. این افراد خوب می‌دانند چگونه داروخانه را سرپا نگهدارند.

باتقدیم احترام دکتر رهبرمژدهی آذر